

ایجاد شهر کارآفرین در عمل



توسعه کارآفرینی و ترویج فرهنگ آن در کشور به‌ویژه در شهرها و مناطق روستایی، یک ضرورت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. با توجه به آمار ایجاد اشتغال از طریق کارآفرینی به‌ویژه در کشورهای با درآمد پایین، می‌توان با توسعه کارآفرینی و ایفای نقش دولت به‌ویژه در بخش گردشگری، کسب‌وکار محلی و ارائه خدمات مطلوب، وضعیت زندگی و رفاه اجتماعی شهروندان را بهبود بخشید.

توسعه کارآفرینی و ترویج فرهنگ آن در کشور به‌ویژه در شهرها و مناطق روستایی، یک ضرورت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. با توجه به آمار ایجاد اشتغال از طریق کارآفرینی به‌ویژه در کشورهای با درآمد پایین، می‌توان با توسعه کارآفرینی و ایفای نقش دولت به‌ویژه در بخش گردشگری، کسب و کار محلی و ارائه خدمات مطلوب، وضعیت زندگی و رفاه اجتماعی شهروندان را بهبود بخشید و زمینه توسعه پایدار شهرها را فراهم کرد. هیات بین دولتی تغییر اقلیم (Intergovernmental Panel on Climate Change) سازمان ملل متحد پیش بینی می‌کند که شهرها حدود ۶۷ تا ۷۶ درصد از کل انرژی جهانی را مصرف کنند که با افزایش جمعیت شهرها، الگوهای مصرف و تولید نیز به میزان قابل توجهی تغییر کرده و رشد می‌کنند.

امروزه توسعه اقتصاد ملی از توسعه شهری تفکیک ناشدنی است و توجه به رونق اقتصادی هر شهر صرفاً منافع خود آن شهر را در بر نمی‌گیرد، بلکه در خدمت منافع کل جامعه است و جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که استفاده از منابع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران اعم از داخلی و خارجی یکی از اصلی‌ترین راهکارهای توسعه و پیشرفت اقتصاد شهرهاست؛ چراکه نمی‌توان به راهکارهای سنتی و کلاسیک تامین منابع برای پاسخگویی به نیازهای رو به تزاید خدمات عمومی در شهرها وابسته بود. مدیریت شهرها نیز مانند سازمان‌ها و نهادها در دهه‌های گذشته بر مدیریت متمرکز و به نوعی نظام از بالا به پایین استوار بود و به انجام وظایف محدودی همچون ایجاد زیرساخت‌ها، حفظ امنیت و کنترل، ساخت و ساز، حل ترافیک و برخی مسائل عمرانی دیگر می‌پرداخت اما در سال‌های اخیر مفاهیمی مانند شهرهای خلاق و کارآفرین به عنوان کلید حل مسائل متعدد شهری همچون بیکاری، مهاجرت، بزهکاری و... شناخته شده است. در همین راستا ایجاد یک اکوسیستم کارآفرینی موفق در محیط شهری با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای حاضر، تا حد زیادی می‌تواند فرآیند خلق ثروت را در یک شهر دائمی کند.

در واقع هدف شهرهای کارآفرین عمدتاً پشتیبانی از اکوسیستم فعالیت‌های کارآفرینی برای تقویت روند تحول اقتصادی و اجتماعی شهرهاست و دولت، به‌ویژه دولت محلی معمولاً به عنوان یک نهاد هماهنگ‌کننده و ارائه‌دهنده پشتیبانی مادی، در این تلاش، نقش اصلی را ایفا می‌کند. درخصوص زمینه‌های سرمایه‌گذاری در شهرها باید ابتدا دید اولویت‌ها، طرح‌ها و انتظارات برای سرمایه‌گذاری کدام است و سپس اولویت‌های سرمایه‌گذاری به بخش‌هایی که مزیت نسبی دارند برگردد. اول از نظر ورود فناوری و طرح‌های جدید به شهرها و رشد صنعت و دوم اینکه مزیت نسبی اقتصادی برای منطقه داشته باشند. منابع مختلفی برای تامین سرمایه‌های فعالیت‌های اقتصادی و اجرای طرح‌ها وجود دارد که عبارتند از: بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، موسسات بانکی تامین سرمایه و سرمایه‌های خرد.

یک شهر کارآفرین موفق به خوبی می‌تواند به خلق ثروت و اشتغال‌زایی منتهی شود. شهر هنگ کنگ نمونه مناسبی در این زمینه است. به‌خاطر اینکه دارای سابقه طولانی در زمینه سرمایه‌گذاری شهری است و با تغییر محیط‌های اقتصادی و سیاسی، استراتژی‌های مختلفی را دنبال می‌کند.

هر شهر دارای روابط اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود است و این روابط و کارکردها در بستری از موقعیت‌های جغرافیایی تحقق می‌یابد. به‌زعم دیوید هاروی (استاد جغرافیا و انسان‌شناسی در دانشگاه نیویورک)، ترسیم شهر کارآفرین سه عامل اصلی را دربرمی‌گیرد؛ در وهله اول؛ توجه به نقش سیاست‌های دولت محلی در پرورش توسعه اقتصادی ترسیم شده است. دوم؛ بر ورود بازیگران خصوصی و راه‌های جدید سازماندهی اداره عمومی تاکید شده است و در نهایت؛ جهانی شدن اقتصاد، معمولاً تمایل به افزایش شهر کارآفرین دارد.

در همین راستا مدیریت شهری باید با ایجاد بسترهای مناسب راه را برای تحقق شهر هوشمند و خلاق به عنوان محیط و بستر مناسب شهر کارآفرین فراهم کند. وجود محیطی متنوع با نقشی که در افزایش گردش اطلاعات، ایده‌ها و تفکرات گوناگون ایفا می‌کند باعث توسعه بستر خلاقیت و نوآوری در مدیریت شهری می‌شود. از همین روی، توسعه و تسهیل عوامل تنوع بخش محیط شهری همچون توسعه صنایع فرهنگی و خلاق باید در اولویت سیاست‌گذاری شهری قرار گیرد. به عبارتی می‌توان گفت که شهر هوشمند شهری کارآفرین است یعنی بین کارآفرینی و شهرهای هوشمند رابطه دو طرفه‌ای وجود دارد. اول اینکه، کارآفرینان واسطه‌های تکنولوژیک را به کار می‌گیرند که به شهرها کمک می‌کند تا از لحاظ اجتماعی و فنی دست به کار شوند و به شهرهای هوشمند تبدیل شوند. دوم، فناوری‌هایی که در شهرها به کار گرفته می‌شوند، داده‌هایی را تولید می‌کنند که به شرکت‌ها برای کشف فرصت‌های جدید کمک می‌کنند.

ژوزف شومپیتر (Josep Schumpeter) یکی از تئوریسین‌های اصلی در کارآفرینی است که به پدر کارآفرینی مشهور است. از دیدگاه او کارآفرین به عنوان عامل کلیدی در فرآیند تغییر اقتصادی مطرح است. شومپیتر در تعریف خود از نوآوری، آن را به عنوان یک برهم‌زننده نظم موجود و تعادل اقتصادی برای ایجاد نظم و تعادلی جدید معرفی می‌کند اصطلاح «تخریب خلاق» (Creative Destruction) به همین موضوع اشاره دارد. نوآوری در این دیدگاه شامل پنج بعد ارائه‌کالای جدید، ارائه روشی جدید در فرآیند تولید، گشایش بازاری تازه، یافتن منابع جدید، ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت است. به عبارت دیگر، نوآوری در هر یک از این زمینه‌ها کارآفرینی محسوب می‌شود. در نوامبر 2014 کنفرانسی با مشارکت بنیاد کافمن در مورد شهر کارآفرین برگزار شد. در این کنفرانس به سه موضوع اشاره شد، اول اینکه نوآوری باید از پایین به بالا رخ دهد یعنی اینکه کارآفرینان باید در مرکز نوآوری باشند نه دولت، دوم اینکه هر شهری ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و باید بر نقاط قوت محلی تاکید شود و سوم اینکه افراد مستعد و توانمند به شهر جذب و دعوت شوند.

با این حال با بروز و ظهور سیاست‌ها، برنامه‌ها و سبک‌های گوناگون مدیریت در عرصه شهری، و پابرجا ماندن و گاهی قوت گرفتن بسیاری از مشکلات و مسائل شهری، محققان و اندیشمندان شهری روز به روز مفاهیم خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی را به ادبیات شهری نزدیک‌تر می‌کنند. از آنجا که چه در بستر اداری و چه در بستر جامعه نیازمند مشارکت افکار و ایده‌های متنوع هستیم و در نتیجه همین تعامل افکار و ایده‌های متنوع روحیه کارآفرینانه خلق و توسعه می‌یابد از این رو بایسته است مدیران شهری علاوه بر توسعه رویکرد اجتماعی در برابر نقش خدماتی خود، به توسعه راه‌های ارتباطی کارآفرینان با مدیریت شهری و ارائه خدمات متنوع به آنان پرداخته و موجبات ارتقای توانمندسازی آنها را فراهم کنند.

حافظ محفوظی- علیرضا محفوظی.